

به پیش در راه شکدهی و شگوفایی هر چه بیشتر و وسیع تر مقاومت ملی مردمی و انقلابی

بافراسیدن هفت اکتوبر ۲۰۰۶، پنج سال از آغاز تجاوزگری و اشغالگری امپریالیست های امریکائی و متحدین شان بر افغانستان می گذرد. آنها واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در امریکا را به مثابه روکش و بهانه ای برای حمله بر افغانستان و آغاز کارزار زورگویانه امپریالیستی شان برای اشغال و کنترل مستقیم کل منطقه، مورد استفاده قرار داده و شام هفتم اکتوبر ۲۰۰۱ افغانستان را مورد حمله قرار دادند. هدف این حمله و تجاوز، از میان بردن پایگاه های القاعده در افغانستان و کشتن و یا دستگیری اسامه بن لادن و همچنان سرنگونی رژیم طالبان بمثابه رژیم حامی القاعده اعلام گردید. اما هدف اساسی این یورش سبانه، اشغال افغانستان و لگد مال کردن کامل استقلال و آزادی این کشور و مردمان آن و تبدیل کردن آنها به یک کشور مستعمره و مردمان تحت انقیاد مستقیم بود.

باگذشت پنج سال از هفتم اکتوبر ۲۰۰۱، دیگر به روشنی هویدا گردیده است که سردمداران هیئت حاکمه امریکا، مدت ها قبل از وقوع حادثه یازده سپتامبر ۲۰۰۱، برای تجاوز و لشکرکشی به افغانستان نقشه کشیده و تدارک می دیده اند. امروزه تقریباً نیمی از نفوس خود امریکا و جمع کثیری از مردمان سایر کشورها، با توجه به دلایل و شواهد روشن، به این عقیده رسیده اند که حادثه یازده سپتامبر صحنه سازی ای بوده است که مقامات کشوری و لشکری امریکایی در نمایش دادن آن سهیم بوده اند تا از آن به عنوان یک " پرل هاربر جدید " استفاده نمایند. در جریان جنگ جهانی دوم، حاکمان امریکائی عمداً اجازه دادند که قوای جاپانی به آسانی پایگاه نظامی امریکا در " پرل هاربر " را مورد حمله قرار داده و قوای چند هزار نفری امریکایی مستقر در پایگاه مذکور را قتل عام نمایند، تا جو و فضای مناسب برای اعلان جنگ علیه جاپان به وجود بیاید.

اینکه که مدت پنج سال از آغاز کارزار تجاوز گرانه و اشغالگرانه امپریالیست های امریکایی و متحدین شان، که نام " جنگ ضد تروریسم " بر آن نهاده اند، می گذرد، دیگر به روشنی ثابت گردیده است که جنگ بعد از " پرل هاربر دوم " به مراتب طولانی تر از جنگ بعد از " پرل هاربر اول " خواهد بود. گرچه سومین جبهه این جنگ، پس از افغانستان و عراق، همین چندی قبل در لبنان گشوده شد، اما هنوز جبهات زیادی ناگشوده باقی مانده است. این در حالی است که در جبهات افغانستان و عراق نیز جنگ خاتمه نیافته، بلکه بیشتر از پیش تشدید گردیده است. امپریالیست های امریکایی و متحدین شان برای کل منطقه نقشه های جدیدی در سر می پروراند که پیاده کردن عملی آن ها تمامی مردمان و کشور های منطقه را بخاک و خون می کشاند.

ولی اکنون دیگر عملاً ثابت شده است که متجاوزین و اشغالگران امپریالیست و دست نشانندگان شان شکست ناپذیر نیستند. در طول پنج سال گذشته بطلان افسانه شکست ناپذیری آنها ثابت گردیده است. دیگر به خوبی روشن گردیده که مشکل مردمان منطقه و منجمله مشکل مردمان افغانستان این نیست که آنها قادر به مقاومت در مقابل قوت های مهاجم مدرن و مجهز و خونریز نیستند. این مقاومت در افغانستان، عراق و لبنان همچنان ادامه دارد. اما مشکل این هست که این مقاومت، یک مقاومت شدیداً ارتجاعی و واپسگرایانه است. چنین مقاومتی گرچه ممکن است سال های سال ادامه یابد و تحقق نقشه های اشغالگران را با مشکل مواجه سازد، اما دورنمای پیروز مندی برای آن نمی توان متصور گردید. اولاً چنین مقاومتی قادر نیست اشغالگران را از کشور های منطقه و افغانستان اخراج نماید. ثانیاً چنانچه به فرض محال چنین سرانجامی نیز پیدا نماید، در نهایت شکل مستعمراتی سلطه امپریالیستی به شکل نیمه مستعمراتی یا نو مستعمراتی تبدیل می گردد و باز هم مشکل اساسی مردمان افغانستان و منطقه بحال خود باقی می ماند.

هم اکنون نیاز عمده مردمان افغانستان و مردمان منطقه، مقاومت علیه اشغالگران و دست نشانندگان شان است. اما این مقاومت باید یک مقاومت ملی مردمی و انقلابی باشد تا خونبهای مبارزات حماسی توده ها، مثل مقاومت های ضد انگلیسی و ضد سوسیال امپریالیستی مردمان ما، به هدر نرفته و به پای استعمارگران و ستمگران بومی و باز هم در نهایت به پای امپریالیست هائیرزدو توده های مردم باز هم چیزی جز محرومیت، فقر و دریک کلام تحمل استثمار و ستم نصیب دیگری نبرند.

" جنبش انقلابی جوانان افغانستان " و " دسته زنان هشت مارچ " یکبار دیگر اعلام می نمایند که مقاومت علیه اشغالگران امپریالیست و دست نشانندگان آنها، حق و مسئولیت وطنی و ملی مردمان افغانستان است. ما اعلام می کنیم که مبارزات مان را در مسیر مقاومت ملی با بنیاد مردمی و جهتگیری انقلابی به پیش خواهیم برد و یکجا با سایر نیروهای مردمی و انقلابی افغانستان به پیش خواهیم رفت. یقین کامل داریم که چنین مقاومتی قادر خواهد بود نه تنها اشغالگران را از کشور اخراج کرده و دست نشانندگان شان را سرنگون نماید، بلکه به مثابه مرحله ای از مبارزات توده ها در جهت سرنگونی نهایی استثمار و ستم و به مثابه گامی در جهت سرنگونی نظام حاکم نیز عمل خواهد کرد. چنین مقاومتی قادر است حمایت توده های مردمان جهان، منجمله مردمان امریکا و سایر کشور های امپریالیستی اشغالگر، را نیز جلب نموده و ضربات کاری ای بر کل نظام امپریالیستی حاکم بر جهان وارد نماید.

" جنبش انقلابی جوانان افغانستان " و " دسته زنان هشت مارچ " تمامی نیروها و شخصیت های ملی، دموکرات و انقلابی را به شکدهی هر چه بیشتر و شگوفایی هر چه روز افزون تر مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران و خائنین ملی فرامی خوانند و حاضران در راستای سازماندهی وسیع و سرتاسری این مقاومت با تمام قوت و توان کوشش نمایند.

مرگ بر اشغالگران امپریالیست امریکایی و متحدین شان!

مرگ بر خائنین ملی دست نشانده و وطنفروش!

به پیش در مسیر مقاومت ملی مردمی و انقلابی!

زنده باد استقلال، آزادی و انقلاب!

" جنبش انقلابی جوانان افغانستان " - " دسته زنان هشت مارچ "